

عوامل مؤثر بر یادگیری دربین دانش جویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران

سیدجمال الدین نبوی^۱ مهناز عسگریان^۱

^۱گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران

چکیده:

مقدمه: یادگیری، جریان پیوسته‌ای است که شامل تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار نهفته فرد می‌باشد به طوری که طیف وسیعی از رفتارها و واکنش‌های شخصی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو بررسی عوامل مؤثر بر یادگیری و افزایش و تقویت راهبردهای یادگیری از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد.

روش بررسی: در این مطالعه با توجه به مطالعات نظری در زمینه عوامل مؤثر بر یادگیری، پرسش‌نامه‌ای تدوین شد و توسط دانش جویان به تفکیک جنس و رشته تحصیلی و معدلشان تکمیل گردید و داده‌های تجربی به دست آمده، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. این بررسی توصیفی روی نمونه‌ای به حجم ۲۰۰ نفر انجام شد و برای این منظور از فرضیات روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده گردید.

نتایج: با توجه به نتایج به دست آمده یادگیری تحت تأثیر عوامل مختلفی در محدوده راهبردهای یادگیری، عادت‌های مطالعه و انگیزش قرار می‌گیرد. میانگین میزان مطالعه دانش جویان در کل ۲۴ ساعت، ۳ ساعت و ۱۵ دقیقه و میانگین میزان خواب شبانه ایشان در حدود ۶ ساعت بوده است. همچنین ۶۳٪ از دانش جویان به فعالیت‌های غیردرسی می‌پرداختند و ۵۰٪ آن‌ها برنامه‌ریزی منظمی داشتند و ۹۴٪ از دانش جویان به رشته تحصیلی خود علاقمند بودند. با تفکیک جنس، معدل و رشته تحصیلی تفاوت‌های معنی‌داری مشاهده گردید.

نتیجه‌گیری: به طور کلی می‌توان گفت راهبردهای یادگیری، عادت‌های مطالعه و انگیزش از جمله عوامل مؤثر بر یادگیری هستند که میزان اثربخشی هر یک از این عوامل با تأکید بر جنس و معدل و رشته تحصیلی متفاوت است به عبارت دیگر عواملی مانند جنسیت، معدل و رشته تحصیلی به عنوان متغیر مستقل تأثیر به سزایی را بر متغیر وابسته یادگیری دارند بنابراین پاسخ‌های آزمودنی‌ها در موارد ذکر شده با یکدیگر متفاوت بوده است به گونه‌ای که این تفاوت از نظر آماری معنادار می‌باشد و می‌توان در سطوح احتمالات ۰/۰۱ و ۰/۰۵ این تفاوت‌ها را پذیرفت.

کلید واژه‌ها: ۱- یادگیری ۲- عادت‌های مطالعه ۳- انگیزش ۴- راهبردهای یادگیری

مقدمه:

زیربنای رفتار آدمی را یادگیری تشکیل می‌دهد به طوری که شایستگی‌های انسان در طول زندگی از طریق یادگیری کسب می‌شود. فرآیند یادگیری در انسان و حیوان مشترک بوده و هیچ یک از آن‌ها از داشتن چنین توانایی نهفته ای مستثنی نمی‌باشند اما انسان ها ظرفیت بالاتری را در زمینه یادگیری داشته و تفاوت های قابل ملاحظه‌ای در الگوهای رفتاری و هم چنین سازگاری نسبت به تغییرات محیط اطراف، از خود نشان می‌دهند. (۱ و ۲)

اغلب رفتارهایی که از انسان سر می‌زند محصول یادگیری وی می‌باشد یعنی فرد مطابق با آن چیزی که آموخته است رفتار می‌کند. (۲ و ۳) بنابراین می‌توان با صراحت عنوان کرد که یادگیری طیف گسترده‌ای از رفتارها و واکنش‌های شخص را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

انسان از طریق فرآیند یادگیری می‌تواند رفتارهای اجتماعی، عاطفی، روانی و عقلانی و تا حدودی جسمانی خود را بهبود بخشد و در جهت اصلاح آن‌ها تلاش نماید و از سوی دیگر بر خزانه رفتارش افزوده و شیوه‌های گسترده‌تری را در زمینه سازگاری با محیط اطراف و در نتیجه کسب تعادل روانی به دست آورد. یادگیری در فرد تنها تأثیرگذار نیست بلکه انسان قادر است به موازات تأثیرپذیری از یادگیری، از طریق آموخته‌هایش تأثیر زیادی بر محیط داشته باشد و بسیاری از شرایط اطرافش را مطابق با میل خود تغییر دهد. (۳ و ۴)

جریان یادگیری، جریان پیوسته‌ای است که شامل تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار نهفته فرد می‌باشد. این جریان، پیوسته از فردی به فرد دیگر متفاوت بوده و در افراد مختلف ظرفیت‌های متفاوتی را به خود اختصاص داده است. البته در این میان نمی‌توان تأثیر عامل محیط را نیز نادیده گرفت و از آن سخنی به میان نیاورد، زیرا یادگیری علاوه بر آن که تحت تأثیر عوامل درونی مانند خصوصیات روانی،

انگیزه‌ها، هیجانات، اهداف و تمایلات فرد می‌باشد، از عوامل بیرونی از جمله امکانات آموزشی، روش‌های مطالعه، ساعت‌های مطالعه و محرکات اطراف نیز تأثیر می‌پذیرد. (۵)

پی بردن به این واقعیت که یادگیری تا حد زیادی به رویدادهایی وابسته است که فرد در محیط زندگی اش با آن‌ها کنش متقابل Intraction دارد، ما را قادر می‌سازد تا به یادگیری به عنوان رویدادی که می‌توان آن را دقیق‌تر مورد بررسی قرار داد و عمیق‌تر فهمید، بنگریم. یادگیری رویدادی نیست که تنها به طور طبیعی اتفاق بیفتد بلکه تحت تأثیر شرایط قابل مشاهده مشخصی رخ می‌دهد به طوری که شرایط قابل تغییر و کنترل هستند و این امر، بررسی رویدادهای یادگیری را به روش‌های علمی ممکن می‌سازد، به گونه‌ای که می‌توان شرایطی را که در آن یادگیری رخ می‌دهد، مشاهده نمود. (۵). سیندگرن در سال ۱۹۹۳ (۶) با توجه به اهمیت مبحث یادگیری و عوامل مؤثر بر آن تحقیقات گسترده‌ای را در این زمینه انجام داد. تحقیقی توسط امینیان در سال ۱۳۷۸ (۷) با عنوان بررسی شیوه‌های مطالعه بر یادگیری دانشجویان انجام شد که در آن با نمونه‌ای به حجم ۴۹۷ دانشجو و از طریق پرسش‌نامه ای حاوی ۵۳ سؤال پژوهش‌گر ساخته چنین نتیجه‌گیری شد که بین معدل دیپلم و معدل دانشگاه ($r = 0.53$) هم بستگی مثبت معناداری وجود دارد. هم چنین نتایج این تحقیق نشان داد که اغلب دانشجویان هنگام مطالعه با مشکلاتی مانند، عدم تمرکز حواس (۲۵/۴۲)٪، نداشتن حوصله درس خواندن (۱۳/۱۷)٪، کندخوانی و خوب یاد نگرفتن مطالب (۱۴/۸)٪ و ندیدن آموزش‌های لازم در زمینه روش‌های صحیح مطالعه (۴۱/۷۸)٪ روبرو هستند.

تحقیق دیگری توسط بابانژاد، در سال ۱۳۷۵ (۸) با عنوان “بررسی و مقایسه شیوه‌های مطالعه و یادگیری و اثر آن در پیش رفت تحصیلی دانش‌آموزان” صورت گرفت. در این

یک سری سؤالات از جانب دانش جویان درمورد روش های برنامه ریزی درسی، عوامل مؤثر بر یادگیری و روش های مطالعه و... روبرو می شدند، پاسخ به این سؤالات برای محققان (که مشاور نیز می باشند) انگیزه این تحقیق را ایجاد کرد. در این راستا و با توجه به اهمیت یادگیری، پژوهش گران به تعیین عوامل مؤثر بر یادگیری پرداختند. نتایج حاصل از یافته های این تحقیق، تاییدی بر یافته های پژوهش های قبلی می باشد.

روش بررسی:

تحقیق حاضر که از نوع توصیفی می باشد به روش پس رویدادی انجام شد. در این پژوهش جامعه آماری شامل تمام دانش جویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران بود که از بین این افراد نمونه ای به حجم ۲۰۰ نفر بر اساس فرمول برآورد حجم نمونه انتخاب شد و با تأکید بر فرضیات روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای متناسب با نسبت جامعه زن و مرد و با تفکیک رشته تحصیلی به گونه تصادفی گزینش صورت گرفت. در این تحقیق از پرسش نامه پژوهش گر ساخته استفاده شد. این پرسش نامه علاوه بر بخش دموگرافی (جنس، سال ورود به دانشگاه، رشته تحصیلی و معدل) دارای ۲۲ سؤال بود به طوری که هر یک از سؤالات با توجه به مطالعات نظری در زمینه عوامل مؤثر بر یادگیری، شاخص بندی شده و در نهایت با در نظر گرفتن شاخص های مرتبط با عوامل مؤثر بر یادگیری، متناسب با هر یک از آن ها سؤالاتی برای پرسش نامه تدوین گردید سپس به منظور تعیین روایی سازه این پرسش نامه، از چند نفر متخصص نظرخواهی به عمل آمد و بدین ترتیب نقص ها و کاستی های آن رفع شد. هم چنین قبل از اجرای نهایی این پرسش نامه به صورت مقدماتی (پایلوت) اجرا گردید و در نهایت پس از دادن تغییرات لازم در

تحقیق نمونه ای به حجم ۴۸۰ نفر (۲۴۰ دختر و ۲۴۰ پسر) با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای، چند مرحله ای انتخاب شد و از طریق پرسش نامه ۳۲ سوالی پژوهش گر ساخته نتیجه گیری کرد که بین معدل و شیوه های مطالعه هم بستگی مثبتی وجود دارد و این رابطه از نظر آماری معنادار می باشد. هم چنین دانش آموزان دختر در مقایسه با دانش آموزان پسر از شیوه های مطالعاتی مطلوب تری برخوردار بودند. تحقیقی دیگر با عنوان "بررسی تأثیر آموزش شیوه های مطالعه در یادگیری دانش آموزان" توسط امامقلی زاده، در سال ۱۳۷۸ (۹) انجام شد که این پژوهش به منظور بررسی تأثیر آموزش شیوه های مطالعه (دقیق خوانی - برنامه ریزی و پس ختام) روی یادگیری دانش آموزان صورت گرفته بود. در این مطالعه نمونه ای به حجم ۷۲ نفر به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شد. نتایج این تحقیق نشان دهنده آن بود که بین میزان یادگیری دانش آموزان آموزش دیده به شیوه پس ختام و برنامه ریزی با گروه شاهد تفاوت معناداری وجود دارد اما در مقایسه با گروه آموزش دیده به روش دقیق خوانی با گروه شاهد چنین تفاوتی مشاهده نشد. این یافته ها نشان دهنده آن است که چنانچه شیوه مطالعه متناسب با مواد خواندنی آموزش داده باشد، می تواند نتایج مطلوبی دربرداشته باشد.

در پژوهش رابینز و مارتوس در سال ۱۹۹۶، به مقایسه شیوه های یادگیری در بین دانش جویان موفق و ناموفق دانشگاه هامبورگ پرداخته شد که این مقایسه با تفکیک جنس و رشته تحصیلی صورت گرفت در این مطالعه که از نمونه ای به حجم ۶۲۶ نفر استفاده شده بود نتایج حاکی از آن بودند که بین شیوه های یادگیری در بین دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. هم چنین دانش جویان رشته پزشکی در مقایسه با دانش جویان رشته غیر پزشکی از شیوه های یادگیری مطلوب تری برخوردار می باشند. از آن جا که در مشاوره های برنامه ریزی درسی و روش های مطالعه با دانش جویان، مشاوران طی سال های گذشته با

و یادگیری بیان گردید. نمره ۴ برای گزینه بسیار زیاد، نمره ۳ برای گزینه زیاد، نمره ۱ برای گزینه بسیار کم در نظر گرفته شد. در این پژوهش علاوه بر استفاده از فرضیات روش توصیفی (فراوانی، فراوانی درصدی)، در محدوده آمار استنباطی نیز آزمون فرضیه‌های تحقیق از طریق روش مجذور کای انجام گردید.

نتایج:

یافته‌های این پژوهش در ۳ طیف اصلی و ۹ طیف فرعی گزارش شده است، به طوری که در ۳ طیف اصلی چهارچوب فرضیه‌های مطرح شده و در ۹ طیف فرعی یافته‌های در ارتباط با مقیاس‌های انگیزش، راهبردهای یادگیری و عادت‌های مطالعه در نظر گرفته شد.

یافته‌های مربوط به فرضیه اول:

با توجه به جنسیت نمونه‌های تحقیق در بعد انگیزش می‌توان بیان کرد که بین نمونه‌های زن و مرد از نظر انگیزشی (علاقه به رشته تحصیلی، تأثیر اتفاقات روزمره بر یادگیری، داشتن برنامه منظم مطالعاتی و علت حضور در کلاس) تفاوت معناداری وجود ندارد.

با توجه به جنسیت نمونه‌های تحقیق در بعد راهبردهای یادگیری براساس جدول شماره ۱-۱ می‌توان گفت که از بین راهبردهای یادگیری (روش مطالعه، منابع مورد مطالعه، میزان مطالعات غیردرسی، فهم مطالب، مکان مطالعه، روش آمادگی برای قبول شدن در امتحان و روش مرور کردن درس) در بین زنان و مردان تنها در خرده مقیاس منابع مورد مطالعه (در سطح ۰/۰۱) و فهم مطالب (در سطح ۰/۰۵) تفاوت معناداری وجود داشت به طوری که فهم مطالب در بین مردان (۵۰٪) بیش تر از طریق گوش کردن و در بین زنان (۳۱٪) بیش تر از طریق نوشتن صورت می‌گیرد.

پرسش نامه، فرم نهایی آن در ۳ طیف انگیزش، راهبردهای یادگیری و عادت‌های مطالعه، روی نمونه‌های تحقیق اجرا شد.

داده‌های تجربی در این پژوهش به منظور آزمون ۳ فرضیه اصلی جمع‌آوری گردید که عبارت بودند از:

۱- بین عوامل مؤثر بر یادگیری در بین دانش جویان و جنسیت آن‌ها تفاوت معنی داری وجود دارد.

۲- بین عوامل مؤثر بر یادگیری دانش جویان و معدل آن‌ها تفاوت معنی داری وجود دارد.

۳- بین عوامل مؤثر بر یادگیری در بین دانش جویان با تفکیک معدلشان تفاوت معناداری وجود دارد.

اهداف این تحقیق که به گونه ای کاربردی در نظر گرفته شد عبارت بود از:

۱- شناسایی شیوه عمل کرد دانش جویان واحد پزشکی تهران در زمینه مطالعه و یادگیری درسی و عوامل مربوط به آن.

۲- شناسایی و ارائه الگوی مناسب برای یادگیری دانشجویان براساس جنس.

۳- شناسایی و ارائه الگوی مناسب یادگیری به دانش جویان براساس رشته تحصیلی.

۴- شناسایی و ارائه الگوهای مناسب یادگیری به دانش جویان براساس معدل.

۵- شناسایی مشکلات و متغیرهای مزاحم در امر یادگیری.

۶- آگاهی بخشی به اساتید نسبت به عمل کرد دانش جویان در کلاس.

به منظور جمع‌آوری اطلاعات، پرسش نامه توسط گروهی از دانش جویان آموزش دیده در بین نمونه‌های تحقیق توزیع گردید و اطلاعات به دست آمده در کامپیوتر کدبندی شد روش نمره گذاری در این پرسش نامه از نوع عینی بوده و با تأکید بر مقیاس فاصله ای و طیف لیکرت گویه‌های مرتبط با شیوه‌های مطالعه

هم چنین مردان در مقایسه با زنان بیش تر از کتاب استفاده می کنند در حالی که زنان بیش تر گرایش به استفاده از جزوه دارند.

- یافته های مربوط به فرضیه دوم :

با توجه به جدول شماره ۱-۲ می توان چنین گفت که از بین شاخص های بعد انگیزشی، با توجه به رشته تحصیلی دانش جویان تنها در خرده مقیاس های علاقه به رشته تحصیلی و تأثیر اتفاقات روزمره بر یادگیری (در سطح ۰/۰۱) تفاوت معناداری وجود دارد. به طوری که دانشجویان رشته های پزشکی (۹۹٪) بیش ترین علاقه را به رشته تحصیلی شان نشان داده بودند و پس از آن دانش جویان رشته علوم آزمایشگاهی (۹۱٪) و در نهایت دانش جویان رشته بهداشت محیط (۷۸٪) به رشته های تحصیلی شان علاقمند بوده اند. در رابطه با اعتقاد به تأثیر اتفاقات روزمره بر یادگیری، دانش جویان رشته بهداشت محیط (۶۵٪) بیش ترین تأکید را روی این عامل داشتند.

جدول شماره ۱-۲ جدول زیر نشان می دهد دانش جویان بر حسب گزارش تحقیقی شان در علاقه به رشته تحصیلی و اثر پذیری از اتفاقات روزانه تفاوت دارند.

شاخص	میزان مجذور کای	درجه آزادی	P	سطح معناداری
علاقه به رشته تحصیلی	۲۰/۷۱	۲	۰/۰۱	$\Sigma \Sigma$
تأثیر اتفاقات روزمره بر یادگیری	۱۸/۷۶	۴	۰/۰۱	$\Sigma \Sigma$

طبق جدول شماره ۲-۲ از بین شاخص های مربوط به راهبردهای یادگیری، با توجه به رشته تحصیلی دانش جویان، در زمینه منابع مورد مطالعه، روش های فهم مطالب و

جدول شماره ۱-۱ جدول زیر بیان گر تفاوت ۲ جنس در منابع مورد مطالعه و روش های فهم مطالب می باشد.

شاخص	میزان مجذور کای	درجه آزادی	p-value	سطح معناداری
منابع مورد مطالعه	۱۸/۳۴	۲	۰/۰۵**	**
روش های فهم مطالب	۲۱/۷۶	۱۲	۰/۰۱*	*

بر اساس جدول شماره ۲-۱ می توان گفت که از بین خرده مقیاس های عادت های مطالعه (ساعت های مطالعه، ساعت های استراحت و تفریح، میزان خواب شبانه، مطالعه گروهی، وضعیت حضور و غیاب، زمان مطالعه، وضعیت استفاده بهینه از کلاس درس) در بین زنان و مردان تنها در خرده مقیاس میزان خواب شبانه و وضعیت حضور و غیاب (در سطح ۰/۰۱) تفاوت معناداری وجود ندارد به طوری که میانگین میزان خواب شبانه زنان در حدود ۷ ساعت و ۲۰ دقیقه و در مردان حدود ۶ ساعت و ۳۸ دقیقه بوده است.

جدول شماره ۲-۲ بیان گر تفاوت دو جنس در بین دانش جویان در میزان خواب شبانه و حضور در کلاس می باشد.

شاخص	میزان مجذور کای	درجه آزادی	P	سطح معناداری
میزان خواب شبانه	۱۷/۱۴	۴	۰/۰۱	$\Sigma \Sigma$
وضعیت حضور و غیاب	۲۰/۰۱	۲	۰/۰۱	$\Sigma \Sigma$

مکان مطالعه	۱۸/۲۰	۸	۰/۰۵	Σ
-------------	-------	---	------	---

از بین شاخص های مربوط به عادت های مطالعه، هیچ تفاوت معناداری بین رشته های پزشکی، علوم آزمایشگاهی و بهداشت محیط مشاهده نشد.

یافته های مربوط به فرضیه سوم:

طبق جدول شماره ۱-۳ می توان گفت که با توجه به معدل دانش جویان در محدوده انگیزشی، تنها در شاخص های علاقه به رشته تحصیلی و تأثیر اتفاقات روزمره بر یادگیری (در سطح ۰/۰۱) تفاوت معناداری وجود دارد به طوری که افراد با معدل بالای ۱۷ (۹۷٪) علاقه بیش تری به رشته تحصیلی شان داشتند و افراد با معدل های ۱۵-۱۲ (۶۶٪) بیش ترین تأکید را بر تأثیر اتفاقات روزمره روی یادگیری بیان کرده بودند.

جدول شماره ۱-۳ جدول زیر نشان دهنده تفاوت دانش جویان در علاقه به رشته تحصیلی و اثرپذیری از اتفاقات روزمره برحسب معدل نمرات درسی شان می باشد.

شاخص	میزان مجذور کای	درجه آزادی	P	سطح معناداری
علاقه مندی به رشته تحصیلی	۹/۲۷	۳	۰/۰۱	Σ Σ
تأثیر اتفاقات روزمره روی یادگیری	۱۶/۰۶	۶	۰/۰۱	Σ Σ

مطابق با جدول ۲-۳ می توان عنوان نمود که در محدوده راهبردهای یادگیری بین معدل های مختلف در شاخص های میزان مطالعه غیردرسی (در سطح ۰/۰۵) و شیوه های آمادگی برای قبولی در امتحان (در سطح ۰/۰۱) تفاوت معناداری مشاهده شده است. در زمینه آمادگی، دانش

روش های آمادگی برای قبول شدن در امتحان (در سطح ۰/۰۱) و در زمینه مکان مطالعه (در سطح ۰/۰۵) تفاوت معناداری مشاهده شد به طوری که دانش جویان رشته پزشکی (۶۳٪) بیش تر از کتاب و جزوه به صورت توأم استفاده می کنند در حالی که دانشجویان رشته های دیگر بیش تر به جزوه اکتفا می نمایند. هم چنین از نظر روش فهم مطالب دانش جویان رشته پزشکی (۴۶٪) بیش تر به گوش کردن، دانش جویان رشته علوم آزمایشگاهی (۲۷٪) بر یادداشت برداشتن و دانش جویان رشته بهداشت (۳۸٪) بر نوشتن کل مطالب تأکید داشتند. در زمینه روش های آمادگی برای امتحان، دانش جویان رشته پزشکی (۴۹٪) بیش تر از فرجه امتحان استفاده می کنند در حالی که دانشجویان رشته علوم آزمایشگاهی (۳۴/۵٪) در طول ترم و دانشجویان رشته بهداشت (۸۳/۸۷٪) در شب امتحان آماده می شوند. در نهایت از نظر مکان مطالعه نیز دانش جویان رشته پزشکی (۲۸٪) بیش تر از سایرین از کتاب خانه استفاده می کنند در حالی که رشته های دیگر از منزل به عنوان مکان مطالعه بهره بیش تری می برند.

جدول شماره ۲-۲ جدول زیر نشان دهنده تفاوت دانش جویان رشته های پزشکی، علوم آزمایشگاهی و بهداشت محیط در منابع مطالعه، روش های درک مطلب، روش های کسب آمادگی امتحان و مکان مطالعه می باشد.

شاخص	میزان مجذور کای	درجه آزادی	P	سطح معناداری
منابع مورد مطالعه	۱۸/۱۴	۴	۰/۰۱	Σ Σ
روش های فهم مطالب	۵۶/۴۸	۲۴	۰/۰۱	Σ Σ
روش های آمادگی برای قبول شدن در امتحان	۳۰/۷۷	۱۰	۰/۰۱	Σ Σ

از نظر زمان مطالعه نیز افراد با معدل بالای ۱۷ (۵۲٪) بیشتر در هنگام صبح به مطالعه می پرداختند.

جدول ۳-۳ جدول زیر نشان می دهد دانشجویان برحسب سطح معدل نمرات درسی ، میزان مطالعه ، میزان خواب ، مطالعه گروهی حضور در کلاس و اوقات مطالعه تفاوت دارند.

شاخص	میزان مجذور کای	درجه آزادی	P	سطح معناداری
ساعت های مطالعه	۴۲/۷۹	۱۲	۰/۰۱	$\Sigma \Sigma$
میزان خواب شبانه	۴۲/۱۶	۱۲	۰/۰۱	$\Sigma \Sigma$
مطالعه گروهی	۱۷/۰۱	۹	۰/۰۵	Σ
وضعیت حضور و غیاب	۲۶/۰۳	۶	۰/۰۱	$\Sigma \Sigma$
زمان مطالعه	۲۹/۸۹	۱۸	۰/۰۵	Σ

بحث:

نتایج این تحقیق نشان داد که به طور میانگین میزان مطالعه دانش جویان در کل، ۳ ساعت و ۱۵ دقیقه می باشد که با توجه به یافته های مطرح شده، بین ساعت های مطالعه و معدل رابطه معناداری وجود داشت به طوری که با افزایش معدل ، میانگین ساعت مطالعه نیز افزایش می یافت. هم چنین میانگین میزان استراحت و پرداختن به فعالیت های مورد علاقه در بین دانش جویان ۳ ساعت و ۳۸ دقیقه بوده است. از نظر میزان خواب شبانه نیز به طور میانگین دانش جویان ۶ ساعت را به خوابیدن اختصاص می دادند که این عامل با توجه به معدل و جنسیت دانش جویان تفاوت معناداری را نشان می داد و برخلاف دیدگاه اغلب افراد که معتقدند دانش جویان با معدل بالا ساعت های

جویان با معدل بالای ۱۷ (۶۳٪) مطالعه در طول ترم را بیان کردند در حالی که افراد با معدل ۱۵-۱۷ (۴۶٪) و ۱۲-۱۵ (۴۵٪) مطالعه در فرجه امتحان را مطرح نمودند.

جدول ۳-۲. جدول زیر نشان می دهد دانش جویان برحسب سطح معدل نمرات درسی در مطالعات غیردرسی و روش آمادگی برای امتحان تفاوت دارند.

شاخص	میزان مجذور کای	درجه آزادی	P	سطح معناداری
میزان مطالعه غیردرسی	۱۸/۳۱	۹	۰/۰۵	Σ
روش آمادگی برای قبول شدن در امتحان	۴۳/۸۳	۱۵	۰/۰۵	Σ

با توجه به جدول شماره ۳-۳ می توان چنین بیان کرد که در محدوده عادت های مطالعه با توجه به معدل دانش جویان ، تنها در شاخص های ساعت های مطالعه ، میزان خواب شبانه ، وضعیت حضور و غیاب (در سطح ۰/۰۱) و مطالعه گروهی و زمان مطالعه (در سطح ۰/۰۵) تفاوت معناداری وجود دارد به طوری که میانگین ساعت مطالعه در یک شبانه روز در افراد با معدل بیش از ۱۷ ، ۳ ساعت و ۴ دقیقه در افراد با معدل ۱۵-۱۷ ، ۲ ساعت و ۲۸ دقیقه و در افراد با معدل ۱۲-۱۵ ، ۲ ساعت و ۹ دقیقه گزارش شد.

هم چنین میزان خواب شبانه در افراد با معدل بالای ۱۷ ، ۷ ساعت و ۳۴ دقیقه بود که بیش ترین میزان را در بین معدل ها داشتند.

وضعیت حضور در کلاس نیز در بین افراد با معدل بالای ۱۷ (۷۳٪) به گونه ای بود که اصلاً غیبت نداشتند.

زیادی از شب را به مطالعه می‌پردازند، بر ساعت های خواب شبانه در افراد با معدل بالاتر از ۱۷ بیش تر بوده که این امر نشانه استراحت کافی دانش جویان با معدل بالا می‌باشد و در نهایت رابطه معناداری بین معدل و مطالب غیردرسی دانش جویان، مطالعه گروهی، میزان حضور و غیاب در کلاس، اوقات مطالعه، روش های آمادگی برای امتحان و علاقه به رشته تحصیلی مشاهده گردید. این پژوهش با یافته های مطالعه امینیان (۷) و بابانژاد (۸)، که هم بستگی مثبتی را بین معدل و شیوه های مطالعه دانش جویان گزارش کرده بودند مطابقت دارد. با در نظر گرفتن جنسیت آزمودنی ها نیز، تفاوت معناداری بین مردان و زنان در زمینه های میزان خواب شبانه، وضعیت حضور و غیاب در کلاس، منابع مورد مطالعه و روش فهم مطالب وجود داشته است. هم چنین با توجه به رشته تحصیلی دانش جویان می‌توان ادعا کرد که تفاوت معناداری بین رشته های مورد مطالعه (پزشکی، علوم آزمایشگاهی و بهداشت) در زمینه منابع مطالعاتی، روش فهم مطالب، مکان مطالعه، روش آمادگی برای قبولی در امتحان و علاقه به رشته تحصیلی وجود دارد. نتایج به دست آمده نشان دهنده آن است که شیوه های مطالعه و عادت های آن و راهبردهایی که شخص به منظور یادگیری درپیش می‌گیرد و عوامل انگیزشی از جمله عوامل مؤثر بر یادگیری به شمار می‌روند که در بین رشته های متفاوت با در نظر گرفتن مواد درسی مربوطه، این روش ها اثربخشی متفاوتی را دارا می‌باشند بنابراین باید شیوه های به کارگیری مطالعه، متناسب با مواد درسی و رشته تحصیلی فرد انتخاب گردند. نتایج حاصل از این تحقیق در راستای تحقیقات انجام شده در گذشته و تکمیل کننده عواملی است که در تحقیقات قبلی به عنوان عوامل مؤثر بر یادگیری مشاهده شده اند.

منابع:

- ۱- گانیه روبرت، م. (۱۹۷۵)، شرایط یادگیری، ترجمه نجفی زندجعفر و سیف علی اکبر، چاپ اول، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۶۸ صفحه: ۶
- ۲- قلی زاده کلان، فرض الله، روشهای صحیح مطالعه و یادگیری، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰، صفحه: ۱۱
- ۳- دیز- جیمز هالسی - استوارت. روان شناسی یادگیری، ترجمه دکتر برهانی محمد نقی چاپ سوم. تهران: انتشارات جویا، ۱۳۷۸، صفحه: ۵۰
- ۴- قشلاقی - محمد. روان شناسی یادگیری، چاپ اول - تهران، انتشارات مانی، ۱۳۷۱ صفحه: ۷۱.
۵. سیند گرن هنری ۱۹۹۳. روان شناسی موفقیت. ترجمه اردبیلی- یوسف، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۷۴، صفحه ۱۰۲.
- ۶- سیف- علی اکبر. روان شناسی پرورشی، چاپ ششم، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۵، صفحه: ۳۱
- ۷- امینیان. بررسی شیوه های مطالعه و یادگیری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دانشگاه علامه طباطبائی تهران ۱۳۷۳ شماره ۱۳۶۳۰.
- ۸- بابانژاد. بررسی و مقایسه شیوه های مطالعه و یادگیری و اثر آن بر پیشرفت تحصیلی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ۱۳۷۴، شماره ۲۱۴۶۵.

۹- امامقلی زاده . بررسی تأثیر آموزش شیوه‌های مطالعه و یادگیری دانش‌آموزان، دانشگاه تربیت معلم، دانشگاه علوم تربیتی ۱۳۷۸ : شماره ۲۵۹۸۱.

Abstract***Influential factor on learning among students of Azad university***

*S.J.Nabavi MS^I M.Asgarian M.S^{II}

Introduction: Learning is a continuous process including relatively permanent changes in individual potential behavior and it eclipses a widespread spectrum of individual behaviors and reactions.

Studying of influential factors on learning, and empower learning strategies are, Very important.

Material and method: according to theoretical studies about influential factors on learning, a researcher devised questionnaire was compiled and carried out on students, then the experimental data were statistically analyzed. This study was descriptive type and was done on 200 person for the purpose of present study random sampling was used.

Results : Regarding the analysis of the data we found that learning is influenced by different factors such as learning strategies studying habits and motivation.

The average number of studying hour among students was 3 hour and 15 minute and 6 hours of sleeping per night. Also, 63% of students did not have learning activities, 50% of them meet a regular schedule. 94% of students were interested in their majors.

Conclusion: Learning strategies study habits and motivation are, important, among the factors that influence learning and the level of effectiveness of each factor differs regarding sex, average and learning field. In other word the parameters such as sex, average of grades, course of study are the independent parameters which influence the learning capability which is a dependent parameter. Therefore the answer of cases mentioned above are different & the difference is statistically significant with $p < 0.01$ & 0.05 .

Key words: 1- Learning 2- Study habits 3- Motivation 4- Learning Strategies

^I – Ms in psychiatric consultant ,Islamic Azad University Tehran Medical Unit (*Corresponding Author)

^{II} Measurement & assessment, Islamic Azad University , Tehran Medical Unit